

## کارنامه اسلام

\* مؤلف: عبدالحسین زرین کوب

\* ناشر: امیر کبیر

\* سال نشر: ۱۳۷۶

\* نوبت چاپ: پنجم

\* محل نشر: تهران

۱. بررسی اجمالی:

الف. نقاط قوت:

۱. معرفی اجمالی فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون نخستین اسلامی.
۲. با گذشت بیش از چهار دهه از تألیف، همچنان مورد استفاده دانشجویان و دانش پژوهان است.
۳. تألیف کتاب در زمانی که برخی به عمد یا سهو سعی در کم رنگ نشان دادن دستاوردهای تمدنی و دانشی اسلام و مسلمانان داشته‌اند.
۴. منحصر به فرد بودن کتاب در موضوع مورد بحث.
۵. نگارش مستدل و مستند و ردّ دیدگاه منفی راجع به نقش اسلام و مسلمانان در توسعه تمدن بشری.
۶. پختگی و ژرفای مطالب کتاب، به رغم اجمال و اختصار آن.
۷. شیوایی و جذابیت قلم مؤلف.
۸. پرکردن نسبی خلأ موجود در زمینه کمبود منابع جامع و مستدل در حوزه تاریخی مورد نظر.
۹. الگوی مناسب برای تألیف آثار مشابه و مفصل در این حوزه.

ب. نقاط ضعف:

۱. اختصار و اجمال بیش از حد مطالب.
۲. استناد بسیار ناچیز و ارجاعات بسیار محدود به منابع اصیل و مصادر دست اول تاریخی.
۳. مبهم و مغلق بودن بعضی از مفاهیم و عبارات که ناشی از سبک نگارش مؤلف و اجمال نویسی در تألیف است.

## ۲. پیشنهادها :

۱. تداوم استفاده از این کتاب به عنوان متن درسی در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد برای دروسی چون «تاریخ تمدن و علوم اسلامی» یا «نقد و بررسی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» تا هنگامی که اثری جامع‌تر در این باره نگاشته شود.
۲. الگوبرداری از این اثر برای تألیف آثار مفصل و جامع.

## ۳. تحلیل نهایی:

هر چند گفته می‌شود نویسنده این کتاب را به اشاره شهید مطهری (ره) در جبران دیدگاه‌های منفی خود در کتاب دو قرن سکوت، راجع به نقش مسلمانان در توسعه تمدن بشری نگاشته است، اما با مطالعه دقیق این اثر به خوبی می‌توان دریافت که مؤلف در هر حال بر دیدگاه مبالغه آمیز خود در نقش و تأثیر ایرانیان در پیشبرد علوم بشری و پایه‌گذاری تمدن اسلامی پافشاری دارد. البته نمی‌توان از تعامل و خدمات متقابل اسلام و ایران غفلت ورزید و دیدگاه منصفانه شهید مطهری (ره) می‌تواند معیار مناسبی برای موضع‌گیری در این باره باشد. بر همین مبنا باید اذعان نمود که سهم ایرانیان در پیشبرد تمدن و علوم مسلمانان بیش از سایر ملت‌هاست. به گونه‌ای که از فتح ایران و از هنگامی که ایرانیان اسلام را پذیرفتند، دیگر نمی‌توان ایران و اسلام را از هم جدا ساخت. چون بررسی و مطالعه هر یک بدون شناخت دیگری کاری ناممکن است. با این حال، اهمیتی که مؤلف به نقش عنصر ایرانی در کارنامه اسلام می‌دهد قدری مبالغه‌آمیز است. البته این دیدگاه موضع متعادل‌تری نسبت به دیدگاه‌های قبلی دارد.